

متن پرسش

با عرض سالم خدمت استاد عزیز. استاد من الان حدود ۳الی ۴ ماهه که مشغول خواندن کتابهای شما هستم. قبلا اصلا اهل مطالعه نبودم اما با معرفی یکی از دوستان و با خواندن ۵.۶ کتاب شما یک تغییر کلی در خودم احساس کردم و الان مرتب پیگیر مطالب هستم و یک شور عجیبی دارم تا با سیری که شما معرفی کردید کوچه پس کوچه های دینمو بشناسم اما استاد در این مدت بعضی اوقات حال خوبی دارم گاهی اوقات نه با خودم فکر میکنم این راهی که دارم یا عبادتهایی که میکنم خداییند یا اینکه از طرف شیطان و گاهی اوقات مطالبی که در کتاب هست که شما فرمودید برام مبهمه مثلا کتاب حب اهل بیت را که میخانم واقعا نمیدانم باید چه کار کنم که این کار را عملی بشه در صورتی که من عاشق اهل بیتم چطور باید بفهمم که عشقم واقعیه؟ در ضمن مثلا از خدا که میخام شغلمو درست کنه فکر میکنم بد شد که از خدا درخواست یه چیز دنیایی کردم خجالت میکشم از خدا. به ته قلبم که نگاه میکنم میبینم دوست ندارم گناه کنم ولی از دستم میپره در این صورت حسابی میریزم به هم در صورتی که قبلا اینطوری نبودم. از شما خواهش دارم یک راهکار اساسی برای حل این شبهات بهم بدید چون من واقعا شما را ندیده کتاب های شما منو جذب کرده؟ یا علی مدد

متن پاسخ

علیکم السلام، باسمه تعالی گفت: «ای برادر عقل یک دم با خود آر ... دمبدم در تو خزان است و بهار» قصه‌ی قبض و بسط شما یک واقعیتی است که انسان همواره با آن زندگی می‌کند. ملاک آن که بدانیم مسیر ما شیطانی است یا الهی با بندگی مشخص می‌شود و این که در این مسیر طالب بندگی بیشتر هستیم و یا همچون شیطان در مقابل احکام الهی استکبار می‌ورزیم. پس از فهم تئوریک حبّ اهل البیت «علیهم‌السلام» و روشن شدن هدف اصلی در حبّ، به مرور با رعایت هرچه بیشتر حرام و حلال الهی یک نوع سنخیت با عصمت آن ذوات مقدس در انسان ایجاد می‌شود و حبّ آن‌ها در انسان فعلیت پیدا می‌کند. از خدا بخواهید و محکم هم بخواهید که شغل شما را سروسامان دهد تا معلوم شود جز به او به هیچ کس امید ندارید. عزمتان آن باشد که گناه نکنید و لذا هروقت از دست‌تان در رفت، عزم شما با قدرت بیشتری به صحنه می‌آید، نگذارید با انجام گناه، شیطان مأیوس‌تان کند. با توبه شیطان را مأیوس کنید. موفق باشید